

نحوه ی تعامل با دانش آموزان فرزند طلاق و اعتیاد در آموزه های اسلامی

افتخار محمدی ۱- لید اوپسی

چکیده :

خانواده کوچک ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی و سازنده نسل آینده است، اما این محیط پر از سازندگی یک دشمن قوی به نام طلاق دارد. دشمنی که محیط امن و گرمی را که برای سکونت کودکان و نوجوانان و برای پاسخگویی به نیازهای اساسی آنها ضروری است درهم می ریزد. از مضرات این دشمن، سوق دادن فرزندان به سوی اعتیاد است. یکی از علل شناخته شده گرایش به اعتیاد طلاق است، چرا که، در این شرایط، کودکان راهنمای خود را از دست می دهند و به سبب ناپختگی، به سهولت، تحت تاثیر افراد دیگر قرار می گیرند. پژوهش حاضر درصدد شناخت موقعیت هایی است که در آنها احتمال گرایش به اعتیاد در فرزندان طلاق افزایش می یابد. هرآنچه که باعث اختلال در عملکرد خانواده شود، می تواند زمینه ساز مشکلاتی در پرورش کودکان شده و منجر به پیامدهای منفی در آینده برای آن ها شود. اعتیاد والدین یکی از این مشکلاتی است که کودکان و نوجوانان را در معرض خطر قرار داده و سلامت روان آن ها را تهدید می کند. نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که جدایی پدر و مادر در شرایطی که فرزندان آن ها در سنین نوجوانی هستند می تواند تأثیر بیشتری در روی آوردن فرزندان به اعتیاد داشته باشد. بیکاری پدر، بی سوادی والدین و فقر اقتصادی نیز می تواند از دیگر عوامل گرایش فرزندان طلاق به اعتیاد باشد.

کلید واژه: خانواده، طلاق، فرزندان طلاق، اعتیاد، فقر اقتصادی

مقدمه :

طلاق پدیده ای اجتماعی و دارای بستر اجتماعی است، هر چند که عوامل زیستی، روانی، جغرافیایی، قومی، نژادی و موارد دیگر در نحوه ی شکل گیری و بروز آن نقش بسیار مهمی ایفا می کنند. تبیین مسأله براساس عامل محیط اجتماعی، تحدید نگرش حوزه جامعه شناسی اجتماعی است، خصوصاً نحوه ی عملکرد کوچکترین و مهم ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده که نقش مهمی را در همکاری و متجانس کردن رفتارهای هنجاری افراد با محیط اجتماع بر عهده دارد. در اینجا به بررسی نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان می پردازیم. امروزه کودکان زیادی پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی با جدایی والدین روبرو می شوند. این مسئله البته در جامعه این شرایط را ایجاد کرده است که دیگر زندگی با والدین مجرد یک قابل تحمل نباشد. در بیشتر موارد، طلاق پاسخی برای پایان دادن به یک زندگی از هم پاشیده است اما در خانواده های دارای کودک، ممکن است بیشترین اثر بر فرزندان باشد. طلاق شعله ی محبت را خاموش می کند، عشق ها را به کینه و دشمنی بدل می سازد، ضعف های یکدیگر را در برابر چشم هم بزرگ می نماید. با توجه به آمار روزافزون طلاق در ایران شاهد تعداد زیادی کودکان طلاق هستیم که درگیر آسیب های اجتماعی، روانی و عاطفی فراوانی می شوند که کمتر موردتوجه قرار گرفته اند. مطالعات نشان می دهد نرخ ترک تحصیل در دبیرستان در مورد دانش آموزان برآمده از خانواده های از هم پاشیده، دو برابر بیشتر از دانش آموزانی است که پدر و مادرشان کنار هم هستند. خبر طلاق می تواند تکان دهنده باشد. برخی از بچه ها ممکن است نتوانند به خوبی تغییرات را تحمل کنند که البته به نحوه ی ارتباط والدین با بچه ها و با یکدیگر بستگی دارد. طلاق والدین حتی می تواند برای برخی فرزندان طاقت فرسا باشد زیرا ممکن است احساس کنند که نیاز به اصلاح رابطه ی والدین خود دارند و این می تواند به اولویت جدید آنها تبدیل شود. آنها تعادل مدرسه و زندگی در خانه را از دست می دهند و زندگی در خانه ممکن است اهمیت بیشتری پیدا کند. بیشتر بچه هایی که والدینشان را در کنار خود ندارند، احساس می کنند که هیچ کس در زندگی آنها نخواهد ماند یا احساس می کنند والدینشان آنها را نمی خواهند. این فکری است که هرگز از ذهن آن ها خارج نمی شود و تمرکز روی درس و انجام تکالیف را برای آن ها دشوار یا ناممکن می کند. در خانواده های کارگری و بویژه خانواده هایی که مادر خانواده سواد ندارد، از هر دو بچه یک نفر ترک تحصیل می کند. همچنین در خانواده های کارمندی که مادری با سواد حضور دارد بچه های طلاق قبل از دریافت دیپلم مدرسه را ترک می کنند. طلاق پدیده ای است که از دیرباز وجود داشته و در هر آیین و قومیتی با آن متفاوت روبرو شده اند. طلاق از مهم ترین پدیده های حیات انسانی به شمار می آید و از موضوعات مورد توجه است چراکه بعد از فرد، این خانواده و ارکان خانواده است که در ساخت جامعه مهم است.

بیان مسأله

خانواده آئینه تمام نمای جامعه است و از آن تاثیر پذیرفته و بر آن تاثیر می گذارد. هنگامی که از نهاد خانواده صحبت به میان می آید بلافاصله در ذهن صمیمیت عشق و علاقه تداعی می شود. وجود ثبات استحکام و برقراری نظم در این نهاد منوط به داشتن روابط گرم اعضای خانواده با یکدیگر است. در اغلب ازدواج های سالم اختلافاتی وجود دارد. اما به طرزی معقول حل و فصل می شود اما گاهی بروز مشکلات فراوان در راه زندگی زناشویی و خانوادگی به طور بالقوه قادر به تهدید کانون گرم خانواده بوده و می تواند زیربنای اولیه لغزش را در زندگی خانوادگی به وجود آورد. خانواده با وجود نقش و جایگاه مهمی که دارد گاه با آسیب هایی نیز مواجه است (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). طلاق یکی از آسیب های اجتماعی جامعه است. تمامی اقشار جامعه از جمله زنان و مردان و نهادهای دیگر به نوعی درگیر عوارض سوء طلاق هستند. فرایند طلاق بر چرخه زندگی خانوادگی تاثیرات مخرب و نیرومندی می گذارد (ساگر و همکاران، ۲، ۱۹۸۳). طلاق از نظر لغوی به معنی رها شدن می باشد و در اصطلاح عبارت است از پایان دادن رابطه زناشویی به وسیله زن و شوهر؛ همچنین طلاق را می توان انحلال رابطه همسری در ازدواج دائمی دانست که بعد از آن از نظر رعایت حقوق و تکلیف مربوط به زناشویی مسئولیتی برای هر دو همسر نخواهد بود، تعریف کرد (کریمی، ۱۳۹۵). طلاق از مهم ترین پدیده های حیات انسانی به شمار می آید که نه تنها تعادل روانی انسان، بلکه تعادل روانی فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان را نیز به هم می ریزد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۳۵-۳۳). طلاق و نارضایتی در روابط بر روی سلامت روان افراد خانواده و اجتماع اثر می گذارد. پیش بینی می شود که نزدیک به ۵۰٪ ازدواج ها در ایالات متحده به طلاق ختم شود (مرکز آمار ملی بهداشت، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵) و بیش از یک میلیون طلاق توافقی در یک سال گویای آمار بالای این مشکل می باشد (اصلاح طلاق در آمریکا ۲۰۰۷؛ به نقل از گاردنر ۳، ۲۰۰۷) افزایش سریع طلاق در کشورهای دیگر نیز در مطالعات متعدد گزارش شده است (ایمری ۴، ۱۹۹۸) کشور ما هم از این قاعده مستثنی نیست آمار بالای طلاق گویایی این امر می باشد. طلاق والدین می تواند اثرات نامناسبی بر فرزندان داشته باشد. هیلاری (۱۹۷۷) فنگ و بالبی (۲۰۰۳) بیان کرده اند که کودکان خانواده های طلاق گرفته مشکلات روانشناختی بیشتری نشان می دهند و در مدرسه عملکرد خوبی ندارند. به نقل از نظری (۱۳۹۰) تعارض زناشویی پیش بینی کننده قوی برای سازگاری

روانشناختی کودکان بخصوص نشانگان اختلال رفتاری و دیگر شکل های ظاهر سازی آسیب شناسی روانی می باشد (کامینگز و داویز، ۵، ۱۹۹۴، ۲۰۰۳، ایمری، ۱۹۸۳، گریچ و فینچام، ۶، ۱۹۹۰؛ ایمری، ۷، ۱۹۹۸).

کودکانی که والدین شان دارای تعارض بالای زناشویی می باشند و طلاق نگرفته اند نتایج ضعیف تری نسبت به کودکانی که والدین شان دارای تعارض بالا بوده اند و طلاق گرفته اند داشته اند (موریسون و کوپرو، ۸، ۱۹۹۹). کودکان، نوجوانان و جوانانی که والدینشان در زمان کودکی آنها طلاق گرفته اند مشکلات اجتماعی بیشتری مانند تعارض اجتماعی زیاد با همتایان هم جنس خود و خواهر و برادرهایشان دارند مشکلات افت تحصیلی رفتاری عزت نفس پایین و روابط بین فردی صرف نظر از عامل جنس و سن در بین بچه های طلاق بیشتر از بچه های غیر طلاق گزارش شده است (آماتو، ۹، ۲۰۰۱).

یکی از قربانیان اصلی پیامدهای ناشی از طلاق والدین کودکان می باشند، هرچند طلاق والدین همیشه منجر به بروز مشکلات عاطفی و رفتاری در فرزندان نمی گردد، اما به یقین اثرات منفی طلاق بیش از جنبه های مثبت آن است (عمادی و همکاران، ۱۳۹۴). تحقیقات نشان می دهد که کودکانی که شاهد، درگیری های خانوادگی هستند، از رشد مهارت های اجتماعی، عاطفی و نظارتی عقب مانده اند (نگرینی، ۱۰، ۲۰۲۰). جدایی والدین، زندگی تک والدی یا والدین جدا از هم برای کودکان آسیب ها و پیامدهای فراوانی خواهد داشت و در رشد، تکامل و ارتباطات کودکان تأثیرگذار خواهد بود. این پیامدها زندگی فرد را با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو خواهد کرد.

یکی از تأثیرات رفتاری حاصل از طلاق اضطراب است به نحوی که پس از طلاق، بلافاصله میزان اختلالات عاطفی و رفتاری در کودکان بالا می رود و پسران بیشتر از دختران تحت تأثیر اضطراب ناشی از طلاق قرار می گیرند و چنین فرزندان اغلب به اختلالات روانی تنی، افت تحصیلی، به ویژه آسم و کولیت دچار می شوند. آسیب طلاق بر نوجوانان هم کمتر از آسیب بر کودکان نیست هر چند که این دو آسیب از نظر کیفیت تفاوت های آشکاری دارند. ستیزه های خانواده که سرانجام به جدایی و طلاق می انجامد، رفتاری است نابهنجار و غیر طبیعی، گاهی کسانی که به چنین کاری دست می زنند تصور می کنند که برای آدمی چندان آزار است. برای یک زوج تحصیل کرده و بالغ با داشتن فرزندان که در کنار، فرزندان که همین والدین کم احساس و کم عاطفه آنها را به این جهان هستی آورده و اکنون با یک تصمیم نابخردانه آن

Cumming & Davies, ۵

Grych & Fincham ۶

Emery ۷

Morrison & Coiro, ۸

Amato ۹

Negrini ۱۰

ها را تنها و بی کس رها می کنند و دنبال هوس های جدیدی با فرزندان جدیدی می روند . به هم ریختن کانون گرم خانواده ، گناهی نابخشودنی و غیر قابل توجیه ناسازگاری خطایی است فردی ، تعرضی است از جانب انسانی به انسانی دیگر که با قدری گذشت و تساهل در موارد بسیاری قابل جبران است ، چه بسا خطا کننده ، خود بر سر عقل آید از کرده پشیمان شود ، ولی ستیزه و طلاق ، خطا و گناهی است اجتماعی ؛ گسستن سنگ بنای اجتماع است ، در هم ریختن شالوده زندگی است ، ازدواج امری است مربوط به دو فرد ، ستیزه و نهایت طلاق امری است اجتماعی که صدمه و زیان آن به جامعه می رسد ، عشق جوان ها را به تشکیل خانواده سست می کند و اعتماد اجتماعی را سلب و مخدوش می سازد . پس طلاق امری است ناموجه می توان خانواده را در دو جهت عام و خاص در نظر گرفت ، خانواده به معنی عام آن در قدیم بیشتر مورد توجه بوده است و پدر و مادر ، فرزندان و تمام افرادی را شامل می شود که در قانون مدنی به ترتیب اولویت می توانند از ما ترک دیگری سهم الارثی داشته باشند ، اما خانواده به معنی خاص عبارت است از شوهر ، زن و فرزندان آنها با وجود اینکه قوانین ما خانواده را دقیقاً تعریف نکرده و برای اعضای خانواده ، شخصیت حقوق متساوی قابل نیست . خانواده قدیمی ترین و کهن ترین هسته طبیعی است که از بدو پیدایش بشر وجود داشته است .

بر اساس تحقیقات و مطالعات انجام شده ، دو عامل وراثت و محیط سهم بسزایی در میزان بزهکاری دارند ، اما سوابق نشان می دهد که نه وراثت و نه محیط هیچ کدام به تنهایی نمی توانند عامل ایجاد جرم باشند ، بلکه زمینه ی ارثی فرد ، همراه با خصوصیات خلقی و محیطی و تاثیری که افراد دیگر در زندگی انسان دارند ، می تواند سبب بروز جرم باشد . خانواده مهمترین نهاد اجتماعی موجود در جوامع انسانی است از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن در فرزندان و نحوه ی کیفیت آن از حیث تطابق بعدی فرد در جامعه دارای آثار وسیعی می باشد ، میزان سازگاری و کیفیت روابط عاطفی زن و شوهر و دیگر کسانی که هسته اصلی خانواده را تشکیل می دهند و نیز نقش آموزشی خانواده و اهمیت آن در رشد شخصیت ، روابط عاطفی فرزند و خانواده مسائل روانی جسمی ناشی از حیات خانوادگی هر یک از جنبه ها در ساختن قالب کلی شخصیت کودک موثر هستند و امروزه طرح هر کدام از این مباحث اختصاص به یکی از رشته های جامعه شناسی و روان شناسی پیدا کرده است . بصورت کلی می توان گفت که با توجه به پیشینه و ادبیات تحقیق عدم ثبات خانواده و تعارضات موجود در آن تأثیر بسزایی بر میزان اختلالات رفتاری و روانی فرزندان دارد بنابراین اگر کودکان و نوجوانان که آینده سازان جامعه می باشند دچار اختلالات رفتاری و روانی شوند خسارات جبران ناپذیری بر پیکره جامعه وارد خواهد آمد با توجه به ضرورت این امر و این که اکثر رفتارهای مثبت و منفی از زمان کودکی و بخصوص دوره ابتدائی شکل می گیرد لازم است که به این مقطع توجه بیشتری شود تا در صورت امکان از پیشرفت مشکلات جلوگیری شود. از آنجا که پیامدهای مسئله طلاق و

سوم را هم دریافت کنند. که هدف آن توانمندسازی و بازتوانی افراد پس از مواجهه با مشکل یا مشکلات می باشد.

همچنین، در شرایطی که می دانید دانش آموزی در کلاس شما فرزند طلاق است، بهتر است تا زمانی که او در این مورد داوطلبانه صحبتی نکرده است، از این موضوع در حضور همکلاسی هایش صحبتی به میان نیاورید و سعی نکنید با توجه ویژه به او کنجکاوی و حسادت را در دیگر همکلاسی هایش ایجاد کنید. در شرایط مرتبط با درس در مورد طلاق صحبت کنید و کتاب ها، داستان ها، فیلم ها یا پژوهش هایی را به دانش آموزان معرفی کنید. هیچ گاه با زبانی ترحم آمیز یا فاجعه بار درباره طلاق صحبت نکنید. مراقب باشید جملاتی با این مضمون که "بچه های طلاق دچار کمبود محبت، مشکلات روانی یا بزهکاری می شوند" به کار نبرید. اگر می دانید که یکی از دانش آموزان تان در آستانه ی طلاق والدینش قرار دارد، بهتر است برنامه ی روتین کلاس را طبق روال سابق برای او ادامه دهید. ضمن این که شرایط خاص او و احتمال افسردگی و مشکلات سازگاری را باید در نظر داشته باشید، مراقب باشید که او از طلاق والدین به عنوان بهانه ای برای بی اعتنایی به مدرسه و بی مسئولیتی استفاده نکند.

نسبت به احساسات دانش آموزتان پذیرا باشید. اگر متوجه تغییرات جدی خلقی و عملکردی در دانش آموز شدید، باید حتماً روانشناس یا مشاور مدرسه را در جریان قرار دهید. همچنین بهتر است والدین را نیز در جریان قرار دهید و به هیچ وجه خودتان به تنهایی مسوولیت تغییرات خلقی و رفتاری کودک را بر عهده نگیرید. ممکن است امکانات مدرسه برای تشخیص و درمان مشکلات دانش آموزتان کافی نباشند. از احساسات و چالش های شخصی تان در ارتباط با مسایل مربوط به طلاق آگاه باشید. ممکن است شما خودتان طلاق را تجربه کرده باشید یا فرزند طلاق باشید.

خانواده در طول تاریخ حیات بشری همواره به عنوان نخستین نهاد تعلیم و تربیت فرزندان مطرح بوده است و این نقش همچنان برای آن متصور است. در همه جوامع، خانواده مسئول حفظ نسل و اجتماعی کردن فرزندان است و ایجاد محیط مانوس و صمیمی و با مهر و محبت به عهده خانواده است. خانواده در شکل گیری ارزش ها و باورداشت های فرزند نقش اصلی را دارد و بر هر نوع روابطی که فرد یا عوامل و نهادهای اجتماع های دیگر از جمله آموزش و پرورش دارد، تأثیر می گذارد. عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی فرزندان و احیاناً فقدان روابط مناسب میان اعضای خانواده، فرزندان را با کمبودهای شدید عاطفی، روانی و ارتباطی رو به رو می سازد و احتمال اینکه در آینده دچار مشکلات روحی و روانی و در نهایت شکست تحصیلی شوند، زیاد است. از مجموعه یافته های مطالعات چنین برمی آید که طلاق والدین

پیامدهای منفی مختلف روانی و اجتماعی برای کودکان و جامعه به همراه دارد که نیاز است متخصصان با انجام اقدامات به موقع و مداخلات مربوط از به وجود آمدن این پیامدهای منفی پیشگیری کنند.

با این حال به اعتقاد مشاوران اجتماعی و خانواده، همه ی طلاق ها منفی نیستند. بستگی به بزرگسالان دارد. والدین نباید بچه ها را درگیر کنند و نباید از طریق بچه ها ارتباط برقرار کنند. والدین می توانند بر منفی گرایی غلبه کنند تا استرس کمتری برای کودکان ایجاد شود. ارتباط مثبت با هر دو والد، نکته ی کلیدی است. وقتی والدین به شیوه ای مثبت ارتباط برقرار می کنند، این مسئله می تواند به ایجاد رابطه ی سالم بین والدین، فرزندان و از بین بردن استرس در مدرسه منجر شود.

در نهایت می توان گفت، طلاق والدین پیامدهای منفی مختلف روانی و اجتماعی را برای کودکان به همراه داشته و با توجه به آمار طلاق و شرایط کودکان طلاق به نظر میرسد در کشور ما خطر مهمی برای کودکان و جامعه باشد. از آنجا که هدف اصلی، بررسی های نظام دار، جمع آوری و ادغام شواهد موجود به منظور استفاده دستگاه های اجرایی در سیاست گذاری و برنامه ریزی است؛ در نتیجه یافته های این مطالعه بیانگر ضرورت استفاده از سیاست های حمایتی در خصوص مبارزه با پیامدهای منفی طلاق والدین بر کودکان بوده و بهتر است که موردتوجه دست اندرکاران مسئله طلاق، خانواده و آسیب های اجتماعی در کشور قرار گیرد. یافته های حاصل از مقالات می تواند در توسعه و تقویت ارائه مشاوره و خدمات به خانواده ها و کودکان طلاق توسط معلمان، مشاوران، مددکاران اجتماعی و دیگر متخصصان در این زمینه کمک کننده باشد.

منابع:

۱. آذربورن، ریچارد و وان لون (۱۳۸۰). جامعه شناسی، ترجمه رامین کریمیان، تهران، شیراز.
۲. استادان طرح جامع آموزشی خانواده (۱۳۸۰). خانواده و فرزندان در دوره راهنمایی تحصیلی، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
۳. آروندی، سعید (۱۳۷۷). گزارشی از عوامل افت تحصیلی در میان دانش آموزان ژاپن، نشریه همشهری.
۴. افروز، غلامعلی (۱۳۷۵). روان شناسی تربیتی، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
۵. الحسینی، سید مصطفی (۱۳۷۷). بررسی پاره ای از ویژگی های دانش آموزان ممتاز و ارایه الگوی پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه ی استان مرکزی در سال ۷۸-۱۳۷۷، تهران، شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
۶. امام جمعه، محمد علی (۱۳۸۰). بررسی علل افت درس تاریخ سال سوم راهنمایی شهرستان گلپایگان، شورای تحقیقات آموزش و پرورش اصفهان.
۷. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸). روش های پیشگیری از افت تحصیلی، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
۸. بیکر، ترزال (۱۳۸۱). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ ناییبی، تهران، روش.
۹. پورناصرانی، رضا (۱۳۸۱). علل و عوامل افت تحصیلی، نشریه آباد.
۱۰. پولادی، محمد علی (۱۳۷۵). بررسی عوامل مهم افت تحصیلی در دبیرستانهای پسرانه شهر اهواز.
۱۱. دو اس، دی. رای (۱۳۸۳). «پیمایشی در تحقیقات اجتماعی»، ترجمه، هوشنگ ناییبی، تهران، نی.
۱۲. ستوده، هدایت الله بهاری، سیف الله (۱۳۸۶). «آسیب شناسی خانواده تهران: انتشارات ندای آریانا».
۱۳. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶)، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۶). مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم؟، تهران، ترکیه.
۱۵. شرکاوی، محمد (۱۳۷۹). درآمدی به جامعه شناسی آموزش و پرورش، ترجمه؛ محمد جعفر پوینده، تهران، نقش جهان.
۱۶. شیخی، محمد تقی (۱۳۷۳). جامعه شناسی جهان سوم، تهران، اشراقی.

۱۷. عسکریان، مصطفی (۱۳۷۱). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، توس.
۱۸. علاقه مند، علی (۱۳۸۱). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، روان.
۱۹. کریمی، سحر. (۱۳۹۵)، بررسی جنبه های مختلف طلاق در جامعه. پژوهش ملل.
۲۰. طاهری، مرتضی (۱۳۹۱). مدل ادراک و نگرش معلمان نسبت به توسعه حرفه های در مراکز تربیت معلم: مطالعه ترکیبی. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی.
۲۱. کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه. (۱۳۹۰)، آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۹۰-۱۳۷۶). زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳: ۱۱۱-۱۳۱.
۲۲. کاکیا، لیدا (۱۳۷۹). نگرشی نو به افت تحصیلی، تهران، افاقی.
۲۳. کامرانی، حشمت الله و عطایی، نورالله (۱۳۵۳). نقدی بر جامعه شناسی، تهران، شبگیر.
۲۴. گلشن فومنی، محمدرسول (۱۳۷۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، شیعه.
۲۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). جامعه شناسی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران، نی.
۲۶. نظری، زهرا (۱۳۹۰) بررسی و مقایسه عملکرد خانواده های عادی و مطلقه تهران مجله رشد مشاور مدرسه دوره ششم، شماره
۲۷. یحیی زاده، حسین و حامد، محبوبه. (۱۳۹۴)، مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. مطالعات زن و خانواده، دوره ۳، شماره ۲: ۹۱-۱۲۰.
28. Amato, P. R. (2001). Children of divorce in the 1990s: An update of the Amato and Keith (1991) meta-analysis. *Journal of Family Psychology*, 15, 355-370.
29. Cummings, E. M., & Davies, P. T. (1994). *Children and marital conflict: The impact of family dispute and resolution*. New York: Guilford Press.
30. Emery, R. E (1998). *Marriage, Divorce and children Adjustment*, New Bury park, CA: sage.

31. Gardner, Tonya, (2007). "Adult Attachment and the Link To Relationship Satisfaction: A Review of the Literature". School of Professional Psychology. Paper 30.
32. Grych, J. H., & Fincham, F. D. (1990). Marital conflict and children adjustment: A cognitive contextual framework. *Psychological Bulletin*, 108, 267-290.
32. Grych, J. H., & Fincham, F. D. (1990). Marital conflict and children adjustment: A cognitive-contextual framework. *Psychological Bulletin*, 108, 267-290.
33. Morrison, D. R., & Coiro, M. J. (1999). Parental conflict and marital disruption: Do children benefit when high-conflict marriages are dissolved? *Journal of Marriage and the Family*, 61, 627-637.
34. Negrini, Lisa. S. (2020). Coparenting supports in mitigating the effects of family conflict on infant and young child development. *Social Work*, 65.(3), 278-287.
35. Sager, C. J; & et al. (1983). *Treating the remarried family*. New York: Brunner, Mazel.